



نشریه دانشجویی فرد

فرد

شماره 18

29 اکتبر 2007

7 آبان 1386



باز دوباره گرمی گیره

رزمگاه پلی تکنیک

آزادی آزادی حق مسلم ماست



انجمن دانشجویان آزادخواه

صدور حکم زندان برای سه فعال دانشجویی دانشگاه امیرکبیر را محکوم می کنیم

روز سه شنبه 24 مهرماه، پس از تحمل 6 ماه حبس، برای آقایان احسان منصوری، احمد قصابان و مجید توکلی به ترتیب حکم 2، 2.5 و 3 سال حبس تعزیری از سوی دادگاه ضد انقلاب جمهوری اسلامی صادر گردید. صدور این احکام ناعادلانه و غیرانسانی در شرایطی صورت می گیرد که این سه فعال دانشجویی دانشگاه امیرکبیر 6 ماه پیش به اتهام خودساخته "توهین به مقدسات" و انتشار مطالب "ضدحکومتی و ضد اسلامی" در نشریات دانشجویی این دانشگاه به صورت وحشیانه و غیر قانونی توسط دستگاه امنیتی دستگیر شده و جهت اعتراف به عمل ناکرده طی این مدت زیر شدیدترین فشارهای جسمی و روحی در بند مخوف 209 اوین در بازداشت بوده اند. دادگاه ارتجاع جمهوری اسلامی با وجود اینکه هر سه دانشجویی متهم هیچ یک از اتهامات مطروحه را نپذیرفته و بارها به روند غیرقانونی این پرونده اعتراض کرده و رفتارهای غیرانسانی و شکنجه های اعمال شده توسط بازجویان در بند مخوف 209 اوین را بازگو کرده و افشاء نمودند، نه بر اساس حکم قانون مدنی بلکه بر اساس خواسته حکومتی حکم مورد نظر را برای این سه فعال دانشجویی صادر کرده است. دانشجویان طی نامه های متعدد به خانواده های خود بارها تاکید کردند که اعترافات گرفته شده از آنان زیر فشارهای شدید و قرون وسطایی - که متأسفانه در کشور ما تنها وسیله برخورد با زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی می باشد - اتخاذ شده و فاقد هرگونه اعتبار قانونی می باشد. خانواده های این دانشجویان نیز بارها به مقامات مختلف حکومتی مراجعه کرده و نحوه برخورد بازجویان سرکوبگر و وحشی در زندان اوین با فرزندان بیگناه خود را افشاء نموده و خواستار پیگیری و رسیدگی به وضعیت آنان شده اند، که مانند همیشه با بی توجهی و توهین از سوی مقامات حکومتی مواجه شده و جز دعا و توسل به مجامع و وجدان های حقوق بشری راه دیگری را برای نجات جان عزیزان خود از چنگک مستبدین ظالم و شکنجه گر نیافته اند.

انجمن دانشجویان آزادخواه ضمن محکوم کردن احکام صادره برای این سه فعال دانشجویی، تمامی جوامع بین المللی و وجدان های حقوق بشری را به نجات جان یاران دربندمان و اقدام عاجل جهت آزادی آنان فرامی خواند. لازم به ذکر است که از شروع روی کار آمدن حکومت "مهرورز" و "عدالتخواه" احمدی نژاد، برخوردهای سرکوبگرانه با فعالین سیاسی، دانشجویی و مدنی در کشورمان به طور بی سابقه ای افزایش یافته است. ما دانشجویان بیدار و آزادخواه به رئیس جمهور دیکتاتور و حکومت فاشیستی یادآوری می کنیم که "دانشگاه زنده است!" و "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد"، و ما نه تنها در برابر این توطئه ها خاموش ننشسته و عقب نمی نشینیم، بلکه با اتحاد بیش از گذشته صفوف خود را در برابر شما روز به روز هر چه مستحکم تر کرده و فریادها و فعالیت های آزادخواهانه خود را تا آزادی یاران دربندمان و تمامی زندانیان سیاسی، و همچنین آزادی جامعه مان بیش از گذشته تداوم می بخشیم.

زنده باد آزادی

"برافراشته باد پرچم جنبش دانشجویی"

انجمن دانشجویان آزادخواه

26 مهرماه 1386

رزمگاه پلی تکنیک ...

طی هفته های اخیر، شاهد خیزشها و قهرمانیهای دانشجویان بودیم. از دانشگاه تهران تا دانشگاه علامه و صنعتی امیرکبیر تهران. بیدادگاه استبداد برای سه دانشجوی دانشگاه پلی تکنیک که از چند ماه پیش در زندان به سر می بردند و مورد شکنجه های وحشیانه شکنجه گران قرار گرفته بودند، احکام حبس صادر نمود. بنا بر حکم این بیدادگاه، احسان منصوری به 2 سال، احمد قصابان، به دو سال و نیم و مجید توکلی به سه سال حبس تعزیری محکوم شدند. امری که بار دیگر، بر ماهیت دیکتاتوری دولت مهرورزی نهم و دشمنی اش با جوانان و دانشگاهیان ایران، مهر زد. گذشته از این که محاکمه و محکوم شدن توسط دستگاه فاسد قضایی این حاکمیت جهل و جنایت، به خودی خود برای هر آزادیخواهی که واقعاً قدمی علیه این دیکتاتوری ضدبشری برداشته باشد افتخار شدگان و خانواده آنها می گویند، با شکنجه آنها را وادار به پذیرش این اتهام نمودند و حالا هم به همین جرم محاکمه و محکوم شدند.

قدرت بیشتری در برابر استبداد و دیکتاتوری ایستاد. "بله، همچنانکه همه ما دانشجویان تجربه کردیم، وقتی که ما دانشجویان متشکل تر و متحد تر باشیم، قطعاً در برابر دیکتاتوری قویتر خواهیم ایستاد. چرا که دشمن آزادی یکی بیش نیست و آن هم دیکتاتوری فاشیست مذهبی در تمامیش است. همچنانکه می دانید، وقایع 16 مهر در دانشگاه تهران، علیه احمدی نژاد، تکرار حماسه 20 آذر پلی تکنیک بود. داستان ایستادگی نسل دانشجو در برابر دیکتاتوری مذهبی، بله دانشجویان سراسر کشور دست در دست هم این اعتراضات رو ادامه خواهند داد و در دانشگاه که سنگر آزادی و آزادی خواهی دانشجوی ایرانی می باشد، علیه هر ظلم و جبر و ستمی ایستادگی و مقاومت خواهند کرد.

- 1- جعل در نشریات دانشجویی
- 2- نوشتن و انتشار مطالب توهین آمیز نسبت به پیامبر اسلام و مقدسات
- 3- نسبت دادن دروغ آن چه خود کرده اند به دانشجویان
- 4- دستگیری دانشجویان به اتهام جرمی که خود دستگیر کنندگان مرتکب شده اند
- 5- شکنجه دانشجویان برای وادار کردن آنان به پذیرش این اتهام دروغ
- 6- محاکمه و محکوم کردن متهمان به این اتهام دروغ.

و حالا شاهد هستیم که دانشجویان آزاده دانشگاه امیرکبیر چطور با فریاد برآوردن به خاطر این همه جنایت، علیه وضعیت موجود می شورند و به یاری از دانشجویان زندانی این دانشگاه بر می خیزند. این حداقل واکنشی است که دانشجویان پلی تکنیک نشون دادند.

تشدید اعتراضها و بالا و بالاتر بردن مشتها و فریادها برای مقابله با این رفتار شنیع و ضدانسانی و ضد دانشجویی دستگاه سرکوب این نظام، برای دانشجویان بسیار ضروری است. و الا دانشجویان باید در آینده در انتظار همین رفتار کشیف به طور گسترده تری باشند. و به همین دلیل هم هست که بار دیگر، رزم گاه پلی تکنیک به خروش در آمده، خروش و عصبانی که به گفته دانشجویان تا آزادی دستگیرشدگان ادامه خواهد یافت. حقیقت این است که حاکمان دیکتاتور منش جمهوری اسلامی در این خیال بودند که با صدور احکام سنگین و سرکوب مداوم در درون دانشگاه های مختلف، می توانند جنبش دانشجویی را به سکوتی مرگ بار وادار کنند. اما دانشجویان پلی تکنیکی نشان دادند که این ها خیال خامی بیش نیست.

دانشجویان در این تظاهرات اعلام کردند که: "این تازه آغاز راه است. دانشجویان دانشگاه تهران و پلی تکنیک، با سازماندهی و اتحاد عمل درست خود، نشان دادند که در مقابل دیکتاتوری می توان طیف های مختلف دانشجویی را با هم متحد کرد و با

گزارش تجمع دانشجویان امیر کبیر در اعتراض به اعلام حکم دانشجویان دربند

سه شنبه 24 مهر 1386

محکومیت سنگین 3 دانشجوی پلی تکنیک

احسان منصوری، احمد قصابان و مجید توکلی امروز در دادگاه انقلاب حاضر شدند و به ترتیب به تحمل 2 و 5/2 و 3 سال حبس تعزیری محکوم گردیدند. محکومیت سنگین دانشجویان در حالی صورت میگیرد که دانشجویان بازداشت شده، بارها از شکنجه های شدید جسمانی خود در بازداشتگاه وزارت اطلاعات خبر داده و اعترافات اخذ شده از خود را فاقد اعتبار قانونی دانستند.

با وجود اظهارات مکرر دانشجویان در رد اتهامات موجود و با توجه به این که متن حکم صادره هنوز به رویت وکیل مدافع این دانشجویان نرسیده، روشن نیست دادگاه انقلاب بر اساس چه مستنداتی اقدام به صدور رأی علیه آنان نموده است.

یکشنبه 29 مهر 1386

سه شاخه گل برای سه زندانی

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تهران روز یکشنبه برای سومین روز متوالی به تجمع اعتراضی خود علیه احکام قضایی علیه سه دانشجوی این دانشگاه مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری ادامه دادند. دانشجویان معترض با در دست داشتن تصاویر این سه دانشجوی زندانی خواستار آزادی بی قید و شرط آنان شدند و گفتند تا آزادی سه دانشجوی زندانی به اعتراضات خود ادامه می دهیم.

آنان شعار می دادند، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد. دانشجوی زندانی حمایت می کنیم. مرگ بر دیکتاتور.

در مراسم امروز از هر دانشکده پلی تکنیک به نشانه بزرگداشت و اعلام حمایت از سه دانشجوی زندانی، سه شاخه گل همراه با نوشته هایی خطاب به دانشجویان زندانی هدیه شد.

یک دانشجوی حاضر در تجمع گفت اگرچه محکومیت صادره از سوی بیدادگاه حکومت علیه سه نفر از دوستان ما ناعادلانه و سنگین است، اما تمامی دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک با هر عقیده و مرامی از آنها حمایت می کنند و تا آزادی آنان به اعتراضات خود ادامه می دهند.

دوشنبه 30 مهر 1386

تظاهرات و تریبون آزاد ستاره دارها در اوین

دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک تهران روز دوشنبه برای چهارمین روز متوالی تظاهرات کرده و تریبون آزاد دانشجویی «ستاره ها در اوین» در اعتراض به صدور احکام ناعادلانه و سنگین چندین سال حبس برای سه دانشجوی در بند دانشگاه امیرکبیر با حضور جمع کثیر بیش از ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران برگزار شد.

مراسم با سخنرانی صدیقه بیگدلی از اعضای انجمن اسلامی و مجری برنامه آغاز گردید و رنجامه افشاگرانه خانواده دانشجویان در بند در مورد اعمال شکنجه های غیر انسانی بر دانشجویان را خواند.

چهارشنبه 25 مهر 1386

تظاهرات دانشجویان امیرکبیر در اعتراض به احکام حبس برای دانشجویان زندانی

در ساعت 12 ظهر چهارشنبه، تجمعی با حضور صدها نفر از دانشجویان پلی تکنیک و تعدادی دیگر از دانشجویان فعال دانشگاه های دیگر تهران شکل گرفت. دانشجویان تجمع کننده در مقابل سلف دانشگاه تجمع کردند و با همراه داشتن عکسهای سه دانشجوی زندانی و همچنین پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهایی از قبیل «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد»، «ما خواستار رفع توقیف از نشریات دانشجویی هستیم» و «ما خواستار لغو احکام تعلیق دانشجویان هستیم» علیه احکام صادره برای دانشجویان اعتراض کردند.

در این میان حراست دانشگاه امیرکبیر تلاش می کرد تا با تهدید دانشجویان مانع از تجمع آنان شود.

دانشجویان با سر دادن سرود «یار دبستانی» به سوی درب حافظ شروع به حرکت کردند اما مزدوران حراست و انتظامات دانشگاه که در آنجا حضور انبوهی داشتند از نزدیک شدن دانشجویان به درب خیابان حافظ جلوگیری کردند و با دانشجویان درگیر شدند. این دانشجویان همچنین در این تظاهرات علیه ریاست دانشگاه که بعنوان شاکی پرونده علیه دانشجویان امیرکبیر شکایت کرده و پرونده های امنیتی برای آنان ترتیب داده بود، اعتراض کردند.

شنبه 28 مهر 1386

دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد

دانشجویان پلی تکنیک در اعتراض به صدور احکام صادره برای سه دانشجوی در بند

در ادامه مجید شیخ پور بعنوان نماینده دانشجویان بازداشت شده به سخنرانی پرداخت. سپس امیر محمد حسین نژاد عضو شورای صنفی دانشگاه امیرکبیر، بیانیه شورای صنفی در مورد احکام صادره را قرائت کرد. در ادامه برنامه علی نکونستی، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت به سخنرانی پرداخت.

همچنین محسن غمین و بیتا سمیعی زاد از دانشجویان چپ، دو بیانیه قرائت کردند و ضمن محکوم کردن احکام صادره برای سه دانشجوی امیرکبیر، این احکام را در راستای سرکوب کارگران، معلمان و زنان دانستند. در این دو بیانیه همچنین تشکیل تشکلهای مستقل دانشجویی جهت ساماندهی اعتراضات معلمان و کارگران توصیه شده بود.

از دانشگاه های دیگر تهران، رشید اسماعیلی، عضو انجمن اسلامی دانشگاه علامه، امیرحسین ایرجی، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه علامه، بیانیه انجمن اسلامی این دانشگاه را قرائت نموده و احکام سنگین صادر شده را محکوم کردند. سخنران دیگر این تریبون گیوکی از اعضای انجمن اسلامی خواجه نصیر بود.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر مدیریت دانشگاه از روز گذشته با ممنوع ورود کردن ناگهانی همه اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی امیرکبیر و همچنین جمع کثیری از فعالین دانشجویی دانشگاه و همچنین فراخواندن کلیه نیروهای انتظامات دانشگاه سعی در جلوگیری از برگزاری این تریبون نمود بنا به گزارش دریافتی از ساعات اولیه صبح امروز حضور نیروهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت بصورت مخفی در درون دانشگاه و اطراف آن، چشم گیر بود و ماموران انتظامی درب خیابان ولی عصر را بطور کامل بسته و درب خیابان حافظ را نیز به شدت کنترل می کردند. آنها در وحشت از اعتراض دانشجویان کارتهای دانشجویی را به دقت کنترل کرده و در درون دانشگاه نیز هر چند متر دو مامور حراست مستقر کرده بودند.

در خیابان حافظ و رشت، نیروهای لباس شخصی اطلاعاتی و امنیتی در کنار خودروهای پلیس حضور چشم گیری داشتند. آنان اجازه ایستادن هیچ فردی را در خیابانهای اطراف دانشگاه نمی دادند. به رغم این تدابیر سرکوبگرانه دانشجویان در حالیکه تصاویر دانشجویان زندانی را در دست داشتند، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

آنان شعار می دادند:

دانشجوی زندانی آزاد باید گردد

رهایی حیا کن دانشگاه رو رها کن

رهایی برو گمشو

این آخرین اخطار است، جنبش دانشجویی آماده قیام است

دانشجو، دانشجو، اتحاد اتحاد

ایران شده فلسطین، مردم چرا نشستین؟

دانشجویانی از دانشگاه های تهران و علامه نیز در این تجمع حضور دارند و خواستار تغییر مدیریت این دانشگاه هستند.

تمامی کلاسهای درس ر دانشگاه امیرکبیر از روز دوشنبه و به دنبال آغاز تجمع و تریبون آزاد دانشجویی به حال تعطیل در آمد. نیروهای سرکوبگر حراست دانشگاه با ضرب و شتم تعدادی از دانشجویان، مانع ورود آنها به دانشگاه شدند.

پس از آغاز درگیری به درخواست علی رضا رهایی مدیر مزدور دانشگاه نیروهای انتظامی از کلاتتری میدان فلسطین مقابل درهای ولی عصر در خیابان سعید را مسدود کرده بودند. ماموران سرکوبگر به دانشجویان حمله کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در نتیجه این یورش وحشیانه شماری از دانشجویان مجروح گردیدند. دانشجویان نیز به مقاومت در مقابل ماموران سرکوبگر پرداخته و تعدادی از آنان را گوشمالی دادند. در جریان درگیریهای امروز در دانشگاه پلی تکنیک، سه تن از دانشجویان نیز بازداشت شدند.

همزمان با درگیریهای داخل دانشگاه فضای خیابانهای حافظ و ولی عصر شدیداً متشنج و امنیتی بود. جمعی از دانشجویان دیگر دانشگاهها که موفق نشده بودند خود را به داخل دانشگاه برسانند در مقابل درب ولی عصر دانشگاه تجمع کرده و با نیروهای امنیتی درگیر شدند. در این درگیری تعدادی از دانشجویان بازداشت گردیدند.



بیانیه انجمن اسلامی پلی تکنیک در اعتراض به صدور احکام ناعادلانه برای دانشجویان و فشار بر جامعه مدنی

به ویرانی این اوضاع هستم مطمئن زان رو / که بنیان جفا و جور بی بنیاد می گردد

در چند روز گذشته استبداد، عریان تر از همیشه، دشنه ی کین از کمر بر کشید و بر سینه ی دانشگاه نشانند و دستگاه عدالتش! مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری را در پیش پای اربابانش بر زمین زد و گناهکار شناخت و مستحق زندان طویل المدت دانست. صدور این احکام ظالمانه برای دانشجویان دربند دانشگاه صنعتی امیرکبیر بار دیگر مهر تاییدی بر دخالت سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی مقصر در جعل نشریات دانشجویی در روند رسیدگی به پرونده ی دانشجویان زندانی نهاد و از سوی دیگر بیش از گذشته درماندگی دستگاه جور را در رویارویی با دانشجویان آزاداندیش این آب و خاک به رخ کشید. پروژه ی جعل نشریات دانشجویان از آغاز چنگی به دل نزد و پرده ای نیفکند که مسببان آن بتوانند برای مدتی طولانی در پس آن نهان شوند و از همان روز نخست سیمای کریه جاعلان بر همگان آشکار شد. اما در حالیکه تکذیب مدیران مسئول که با صدای نگران و چشمان بهت زده، مظلومانه و سراسیمه از این توطئه شوم اعلام نفرت و انزجار می کردند و تبری می جستند، گوش فلک را پر کرده بود، این صوت معصومانه را، راهی به مجریان عدالت! نبود که خداوند قلب و چشم گوششان را بسته که هر آنچه تا کنون دیده اند و شنیده اند کافیست، که بارها نشان داده اند که بندگی خدا را و انهاد، سرسپردگی حاکمیت اقتدارگرا را به جان خریده اند. بیدادگران اینبار هم تصمیم گرفتند که نشوند و کسانی که بر مسند قضا (محل جلوس پیامبر) تکیه زده اند در حالیکه دیگران را از روز جزا نهیب می زنند جایگاه پیامبری را به عروسک خیمه شب بازی ظالمان تنزل دادند و بی گناهان را مجرم نامیدند. اما با تکیه بر کدام مستندات؟ آیا مدرکی جز اعترافات تحت شکنجه های وحشیانه ی قرون وسطایی علیه دانشجویان دربند وجود دارد؟ کدام قانون شکنجه را برای حصول به نتیجه ی دلخواه مجاز می شمرد؟ مگر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی مدعی نیست که معیار احکام صادره موازین شرع است و مگر مفسران شرع عالمان دین نیستند؟ و مگر هفته گذشته نبود که تعداد زیادی از مراجع تقلید بیان کردند که اعترافات دانشجویان پلی تکنیک در زندان هیچ حجت شرعی و قانونی ندارد و معیار همان هایی است که قبل از بازداشت گفته اند و مگر مراجع تقلید رای بر برائت دانشجویان امیرکبیر ندادند؟ نکند منظور آقایان از شرع، دینی به جز دین مبین اسلام! اگر چنین است بهتر است مطرح نمایند تا تدبیری اندیشه شود و همگان تکلیف خود را بدانند.

اگر چه انتظار بیش از این از دولتی که می کوشد دروغ را به تمامی ارکان خود مستولی سازد، ساده اندیشی است. رئیس دولتی که بی آزر در مقابل چشم میلیون ها بیننده در ماه مبارک رمضان لب به دروغ می گشاید و با تحویل دادن لبخندهای شنیع و استفاده از الحان شوخ و زننده حیثیت و تاریخ ملتی را به سخره می گیرد و ایران را آزادترین کشور دنیا می داند، آیا توجیهی برای احکام صادره برای دانشجویان دربند پلی تکنیک دارد؟ دستگیری ها و بازداشت های خودسرانه و خشن اخیر جز حاکم کردن فضای ترس و ارباب و اختناق چه هدفی را دنبال می کنند؟ کسی که توهین اجنبی در کلمبیا لبخند به

لبانش جاری می کند را چه می شود که از مواجهه با دانشجوی وطنی هراسان است و به وسیله ی گاز اشک آور که از وسائل متداول جهت مهرورزی مورد نظر ایشان است از مهلکه پاسخگویی به سوالات آنها می گریزد؟ مسلم است که تاوان انتقاد از سیاست های ویرانگر دولتی که ارکان ذهنیتش دروغ و کینه توزی است، نشریه جعلی و زندان خواهد بود. وقتی که رئیس متصبش در دانشگاه خود شخصا مبادرت به پرونده سازی برای دانشجویان بی گناه می کند و تمام اهتمام و نفوذ خود را برای نگاه داشتن آنها در زندان به کار می بندد، از اربابش چه توقع می توان داشت؟ جواب رئیس دولت نهم به این همه، هجمه بر جامعه ی مدنی نیست؟ بازداشت باقی، هادی قابل، محبوبه مقدم، منصور اسانلو و... آیا نشانه وجود آزادی بی نظیر یا کم نظیر در این مرز و بوم است؟ البته آقای احمدی نژاد می تواند مدعی شود که ما در ایران زندان نداریم، دانشجو نداریم، باقی نداریم، قابل نداریم...

اما تاریخ گواهی خواهد داد که ما حق نداریم و آزادی نداریم و خیلی چیزهای دیگر نداریم. آری انتظار جعل نشریه از دولت دروغ، انتظاری گزاف نیست؟ و گویا تا اطلاع ثانوی زندان، شکنجه و محرومیت حق مسلم تمام متفقان خواهد بود و حفظ اتحاد و مقاومت در مقابل موج خفقان و سرکوب تنها راه پیش روی عاشقان و دلسوزان میهن است تا از این راه به سلامت گذر کنیم. هزار بار هم که ما را از اسب پیاندازند از اصل نخواهیم افتاد. شب گرچه غم افزاید، خورشید از او زاید...

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) احکام صادره برای دانشجویان این دانشگاه (احمد، احسان، مجید) را محکوم کرده و اعلام می کند این انجمن بیانیه تحلیلی شماره ۵ خود را که در آن شرح ادله و مدارکی که اثبات بی گناهی این سه دانشجو و نقش نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در تهیه و پخش این نشریات را فریاد می زند، تا همگان بدانند مدعیان دروغین اسلام چه می کنند و که هستند؟ همچنین ضمن محکوم کردن بازداشت دیگر فعالان جامعه مدنی خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه ی آنها می باشد و بار دیگر تاکید می کند که هر چه خط برخورد با متفقان شدیدتر شود دستاورد اندک تری برای اقتدارگرایان در پی خواهد داشت و طعم پیروزی را در هنگام دمیدن خورشید، شیرین تر در کامشان خواهد ریخت. ناخدای استبداد، خدای آزادی را به زمین نخواهد زد. ار چه ماهرانه بچنگد !!

اگر چه بام شب تاریک است / بگو به مژده آن یاران را / که ای دلاوران!! / سپیده نزدیک است!

انجمن اسلامی دانشجویان

دانشگاه صنعتی امیرکبیر

(پلی تکنیک تهران)

۲۸ مهرماه ۱۳۸۵



آه اگر آزادی سرودی می خواند

کوچک...

کوچک تر حتی از گلوگاه يك پرنده

پیام سه دانشجوی در بند دانشگاه امیرکبیر از درون زندان برای تجمع کنندگان. مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری در پیام خود آورده بودند:

“نوشتن از درون زندان و بیان حال آزادی و آزادیخواهی و امید و نوید دادن از سوی زندانیان اگر چه دانشجو باشند نیز چنان سخت می نماید که اصل کلام را نمی توان ادا کرد. عرض ادب را نمی توان به جا آورد. تشکر و قدردانی شایسته جامعه دانشجویی و آزادی خواه ایران و به خصوص دانشجویان پلی تکنیک تهران به هر عبارتی که باشد ادای دین نشده است. با شما از پس سکوت و تحمل ۵ ماه سئول های انفرادی، ۱۴ ماه بازداشت در بند امنیتی ۲۰۹ و تحمل شدیدترین فشارها و شکنجه ها سخن می گوئیم. و حال محکومیت به ۷ سال و نیم تحمل حبس ناعادلانه تنها حسرت حضور دوباره در آن جمع پرشور و تجمع و اعتراض و اعتصاب و فریاد برآوردن در قلب تنیده جنبش دانشجویی را برای ما باقی گذاشته است”



گارد شاهی و گارد شیخی، دکتر محمد ملکی

بالاخره با تأخیر دو هفته‌ای و پس از تدارک بسیار آقای احمدی نژاد را صبح روز دوشنبه ۱۶/۷/۸۶ به تالار علامه امینی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بردند تا با حضور جمعی از مقامات و تعداد قلیلی از استادان و دانشجویان دستچین شده، سال تحصیلی جدید دانشگاهها را آغاز نمایند. این کار سنت دیرینه‌ای بود که در نظام شاهی روز اول مهر با حضور شاه انجام می‌شد و آخرین بار در نظام گذشته مهر سال ۵۷ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات انجام شد و پس از تغییر نظام هم اول مهر سال ۵۸ با پیام آقای خمینی و سخنان آیت الله منتظری، مهندس بازرگان (نخست وزیر و استاد دانشگاه) و نماینده استادان و دانشجویان در زمین چمن دانشگاه تهران در یک فضای باز و آزاد، علیرغم مخالفت شورای انقلاب و احزاب مسلط (حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) و جامعه روحانیت مبارز که نمی‌خواستند دانشگاهها به روی دانشجویان و استادان بازگشایی شود انجام شد. ولی همین مخالفتها با بازگشایی دانشگاهها منجر به حوادثی گردید که نتیجه آن بستن دانشگاهها و باصطلاح انقلاب فرهنگی شد. حال پس از گذشت قریب سه دهه از آن حادثه یکی از کسانی که دستی بر آتش بستن دانشگاهها و اخراج دهها هزار دانشجو و استاد و دستگیری و اعدام و شکنجه بسیاری از آنها داشته در کسوت رئیس جمهور پای به دانشگاه تهران می‌گذارد تا ادعای مسخره خود را در دانشگاه کلمبیا که گفته بود "ایران یکی از آزادترین کشورهای جهان است" به اثبات برساند. درباره آمدن احمدی نژاد به دانشگاه تهران و تظاهرات دانشجویان علیه او لازم است چند نکته را یادآوری نمایم.

۱- با توجه به اینکه آمدن احمدی نژاد به دانشگاه تهران پس از رفتن او به دانشگاه کلمبیا و گفت و شنودی که در آنجا اتفاق افتاد صورت می‌گیرد برخورد او با سئوالاتی که دانشجویان می‌خواستند مطرح کنند دارای اهمیت بسیار است؛ شورای مرکزی دفتر تحکیم طی دو نامه که خطاب به احمدی نژاد نوشت (یکشنبه ۸ مهر و یکشنبه ۱۵ مهر ۸۶) از او خواست که اجازه دهد یک نفر به نمایندگی از سوی بزرگترین تشکل دانشجویی منتقد "دفتر تحکیم وحدت" سئوالاتی را مطرح کند تا ایشان جوابگو باشد. دانشجویان نوشته‌اند:

هر چند از دعوت رئیس جمهور امریکا به ایران برای سخنرانی و اصولاً هر گفتگویی با کشورهای جهان استقبال می‌کنیم و آن را در جهت کاهش خطر جنگ مفید می‌دانیم اما بر ایمان جای سئوال است که چطور رئیس جمهور امریکا می‌تواند به دانشگاههای ایران بیاید اما اساتید و دانشجویان، منتقد حق اظهار نظر در دانشگاهها را ندارند؟ صدها درخواست صدور مجوز سخنرانی که در شورای فرهنگی دانشگاهها بایگانی شده است گواه ادعای ماست. چه استدلالی می‌تواند وجود داشته باشد که بوش می‌تواند در دانشگاه ما سخنرانی کند اما روشنفکران داخلی نه؟

این دو نامه نه تنها بی‌جواب ماند بلکه حتی آن تعداد از دانشجویان که قبل از ورود احمدی نژاد و بسته شدن درها و محاصره دانشگاه توانسته بودند به صحن دانشگاه راه یابند، مورد هجوم و ضرب و شتم قرار گرفتند و از واقعیت مهرورزی احمدی نژاد برخوردار شدند.

۲- قصد داشتم برای مستند کردن این قسمت از نوشته دانشجویان که می‌گویند "اما اساتید و دانشجویان منتقد حق اظهار نظر در دانشگاهها را ندارند" خودم را هر طور شده بعنوان یک استاد دانشگاه تهران به سالن علامه امینی برسانم - که با ممانعت گارد شیخی موفق نشدم - تا با ارائه یک سند که متناسب با روزهای نزدیک به انتخابات نیز می‌باشد، کذب بودن ادعاهای قدرت به دستان نظام ولایی از جمله دولت مدعی اصلاحات را ثابت کنم.

این سند یکی از دهها و صدها دستورالعمل برای سلب آزادی اظهار نظر از سوی دانشجویان و استادان دانشگاه می‌باشد که در سایتهای اینترنتی منتشر شده است.

<http://mag.gooya.com/politics/archives/027996.php>

طبقه‌بندی - محرمانه آرم جمهوری اسلامی ایران شماره - ۸۱۸۲/۱/۳/۱/۲۸۴/۴۹۵

ارجحیت - آئی - آئی وزارت اطلاعات تاریخ - ۱۰/۲/۸۴

نحوه ارسال - نمابر شود پیوست - صلوات

به گیرندگان

موضوع - ممنوعیت سخنرانی

سلام علیکم

احتراماً با عنایت به فعال شدن جریان تحریم انتخابات در دانشگاهها و دعوت از عناصر افراطی در این خصوص مقتضی است با حضور افراد ذیل به برنامه‌ها و مراسمات تشکل‌های دانشجویی مخالفت و ممانعت صریح بعمل آید مراتب جهت اقدام در اسرع وقت ارسال می‌گردد.

۱- محمد ملکی ۲- علی افشاری ۳- عبدالله مؤمنی ۴- رضا دلبری ۵- مهدی حبیبی ۶-

دکتر حاتم قادری

سازمان اطلاعات استان تهران

ادار کل سیاسی فرهنگی

گیرندگان - حراست‌های دانشگاههای تهران

آقایان؛ آنقدر شهامت داشته باشید که رک و پوست‌کنده به دنیا بگویید ما تحمل نقدهای دانشجویان و استادان، کارگران، معلمان، زنان و دیگر ایرانیان دگراندیش را نداریم. چرا آنقدر دروغ می‌گویید و فریبکاری می‌کنید؟ اگر از خدا نمی‌ترسید از خشم مردم بترسید که سوزنده و خاکستر کننده است.

۳- در اینجا می‌خواهم سخنی داشته باشم از سرِ درد با دانشجویان بسیجی دانشگاهها. دانشجویان پیش از تغییر نظام بخاطر دارند که کنار خیابان غربی دانشگاه تهران (۱۶ آذر) بالاتر از دبیرخانه دانشگاه تهران ساختمانی بود مخصوص گارد دانشگاه که تعدادی از وابستگان نظام شاهی در آن گرد آمده بودند تا باصطلاح امنیت دانشگاه را حفظ نمایند و گاهگاه مزاحمت‌هایی برای دانشجویان منتقد فراهم می‌کردند در جریان انقلاب این ساختمان از سوی مردم به آتش کشیده شد و گارد پا به فرار گذاشت. امروز وظایف آن مزدوران به جمعی از دانشجویان باصطلاح بسیجی محول شده، آنها به هر مناسبتی خود را در مقابل دیگر دانشجویان قرار می‌دهند و در کنار نیروهای انتظامی رسمی به جان دانشجویان می‌افتند و همکلاسی‌های خود را مضروب و دستگیر و یا شناسایی می‌کنند بحث من فعلاً این نیست که این جماعت که غالباً جزء سهمیه‌ای‌ها هستند چگونه وارد دانشگاهها شده و از چه امتیازاتی در زمان تحصیل و بعد از آن برخوردار می‌شوند با توجه به اینکه این جوانها در کسوت دانشجویی به چنین اعمالی دست می‌زنند می‌خواهم با توجه به تجربه نیم قرن فعالیت در محیط دانشگاه به آنها هشدار دهم که مواظب عاقبت اعمال خود باشند و بدانند حکومت‌های فاشیستی به خصوص اگر انگ دینی بر آنها خورده باشد پای منافع خود همه چیز را قربانی می‌کنند یادمان نرود آن نظر آقای خمینی را که در نامه‌ای به آقای خامنه‌ای نوشت:

باید عرض کنم که حکومت که شعبه‌ای از ولایت فقیه رسول‌الله است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند.

و فراموش نکنیم رفتار آقای خمینی با آقای منتظری را که از نزدیک‌ترین افراد به او بود و اعمال آقایان خامنه‌ای و رفسنجانی و خاتمی با منتظری که همگی افتخار به شاگردی آیت‌الله منتظری را می‌کردند و ده‌ها و صدها نمونه از این برخوردهای سران حکومت دینی را با همراهان دیروز خود که تنها به دلیل یک نقد ساده به چه سرنوشتی دچار شدند. شما دانشجویان بسیجی که امروز نقش «گاردشاهی» سابق را بازی می‌کنید چگونه به خود اجازه می‌دهید آلت دست احمدی‌نژادها و شیخ عباس عمید زنجانی‌ها قرار بگیرید و در برابر همکلاسی‌های خود که تقاضایی جز آزادی بیان ندارند بایستید و در دفاع از دروغ‌پردازیهای احمدی‌نژاد و امثال او انواع اتهامات را به کسانی که از حقوق دانشجویان از جمله خود شما دفاع می‌کنند و در این راه از هیچ فداکاری دریغ ندارند بزنید، کمی فکر کنید. آیا اعمال شما بدنام کردن نام دانشجو نیست؟

فریادهای ما اگر چه رسا نیست

باید یکی شود باید یکی شود باید یکی شود

قدیم به همه هم‌زمان دانشجوییم:

اگر پژواک «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» طنین وحدت شکست‌ناپذیری نباشد، بی‌تردید تبدیل خواهیم شد به جویبارهای کوچکی که در باتلاق فرو می‌روند.

باور اینکه آنان «هراسان زیگانگی ماست» قبل از هر کس داروی درد خودمان است.

حالاکه کلیدهای جنبش دانشجویی را به پشوانه یارانی که زندان و شکنجه و اخراج را تحمل کرده اند، زده ایم پس دستاوردهای حاصله را به جیب بوزینگان نریزیم. خیزش‌ها و اعتراضات اخیر دانشجویی موجب دلگرمی همه جوانان کوچه و خیابان شده و نوید «امید»ی گم شده در سالیان، در لابلای همه‌های محله‌ای شان برق می‌زند. بیایید این امیدها را بارور کنیم، این وظیفه ماست. بیایید آنچه را که بدست آورده ایم در گامهای بعدی به سمت وحدت دانشجویان، و برای ساختن گریز آتشین و سنگری بی شکست هدایت کنیم. فریاد های ما باید یکی شود.

خروش هر دانشجو اتحاد اتحاد

فریاد هر ایرانی آزادی آزادی

صبا صبحی





گوش های بسته و دهان باز امید معماریان

چرا محمود احمدی نژاد که برای نشستن جلوی دوربین های تلویزیونی شبکه های خارجی و مصاحبه با خبرنگاران غربی اشتیاق زاید الوصفی از خود نشان می دهد، از پاسخ دادن به سوالات ساده دانشجویان کشور خودش سرباز می زند و مواجهه با مردمی که سیاست های دو ساله گذشته وی آنها را اندک اندک به خشم می آورد به تعویق می اندازد؟

چگونه است که او حاضر است نیم ساعت شدیدترین اتهامات و سوالات تند رییس دانشگاه کلمبیا در نیویورک را که میلیون ها نفر به صورت مستقیم آن را مشاهده کردند تماشا کند، اما به سوالات چندصد دانشجوی پاسخ ندهد؟ او که شفته سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ است بعد از ارائه تصاویری که از وضعیت آزادی در ایران ارائه کرد، چرا زانوهای خود را جلوی دانشجویان سست یافت؟

به نظر می رسد اگر مشاوران مطبوعاتی و رسانه ای رییس جمهوری نسبت به دینامیک گردش اخبار و اطلاعات در دنیای امروز اشراف روزآمدی داشتند، به وی توصیه می کردند که نه تنها اجازه بدهد دانشجویان منتقد به طرح سوالات خود بپردازند، بلکه با توجه به تخصصی که وی از ارائه وضعیت گل و بلبل از کشور دارد، پاسخ های خود را مطرح کند و آمار و ارقام شگفت انگیز خود را از بهبود وضعیت ارائه نماید. در کنار دیگر شگردهای تبلیغاتی که وی در دو سال گذشته از آن بهره برده وی می تواند حتی با الهام از اقدام خودجوش دانشجویان امیر کبیر در آتش زدن عکس رییس جمهوری در مراسم آذرماه سال گذشته، چند نفر همان ها که با کارت دعوت به جلسه سخنرانی آمده بودند را مامور کند تا چندین عکس از وی را جلوی دوربین های تلویزیونی آتش بزنند. آنگاه او نیز در مقابل لبخند می زد و پاسخ می داد تا دنیا بداند مردی که در دانشگاه کلمبیا از وجود آزادی در ایران سخن گفت می دانست چه می گوید و چه چیزی از دهانش خارج می شود. او می توانست به این ترتیب، بگوید نسبت به آنچه می گوید صادق است و داستان هایش از وضعیت آزادی در ایران به واقعیت نزدیک است و سخن بالینجر که او همه نشانه های یک دیکتاتور حقیر را در خود دارد، نادرست است و با واقعیات و شخصیت وی همخوانی ندارد.

با این وجود محمود احمدی نژاد چنین انتخابی نکرد. نتیجه آنکه بیش از هر آنچه وی در دانشگاه تهران گفت، تصاویری از دانشجویان خشمگین تهرانی به جهان مخابره شد که رییس جمهوری خود را دیکتاتور می خواندند. برخی از شبکه های تلویزیونی، همزمان در نوبت های مختلف، سخنان دیوید بالینجر رییس دانشگاه کلمبیا را پخش کردند که در آن احمدی نژاد را واجد همه شرایط یک دیکتاتور نامید.

رسانه های غربی به این ترتیب، چنانکه ماههاست چنین می کنند، از آقای رییس جمهور کاریکاتوری ساخته اند که به چیزهایی که در مورد مردمش می گوید باور ندارد و دائم برای کشورهای دیگر خط و نشان می کشد و نه تنها برای مردمش خیری ندارد، دیریا زود شرش گریبان گیر دیگران خواهد شد. به گونه ای که اظهارات متناقض احمدی نژاد به همراه انتقاداتی که به برخی سیاستهای دولتش می شود باعث شده است که طی هفته های

گذشته یا پای ثابت برنامه های طنز تلویزیونی باشد و یا محور بحث های جنگ طلب های آمریکایی در خصوص غیرقابل مهار بودن ایران.

اما پرداختن هزینه چنین تناقضی ناشی از آن است که رییس جمهوری همواره در دفاع از سیاست ها و اظهاراتی که مورد مسائل مختلف از برقراری صلح در جهان تا تحقیقات هولوکاست و یا انتقال اسرائیل به آلاسکا و یا اروپا می کند، مردم ایران را به ضمیمه سخنانش می کند و حرفهای خود را خواست واقعی ملت ایران قلمداد می کند. به همین جهت برای وی خیلی مهم است که تصویری که از ایران به جهان از طریق دوربین های صدا و سیما و شبکه های دوست مخابره می شود، تصویری یک دست و هماهنگ باشد که در آن مردم پشت تصمیمات رییس جمهوری هستند.

اگر بیست سال پیش چنین کاری امکان پذیر بود، این روزها عملاً نیست. چرا که کوچکترین اعتراضی در کمترین زمان ممکن مرزها را پشت سرمی گذارد، روی اینترنت می رود و یا از شبکه های تلویزیونی سردر می آورد.

اعتراض دانشجویان، اتفاقاً مدتی بعد از سخنرانی وی در دانشگاه کلمبیا، حساس ترین بخش گفتمان تبلیغاتی احمدی نژاد را نشانه گرفت و آن اینکه بسیار هستند در ایران که نه با اظهارات او در خصوص مسائل مختلف موافقت نه بسیاری از سیاست های وی را تایید می کنند و خواست احمدی نژاد لزوماً خواست مردم ایران نیست.

نظرسنجی های اخیر که نشان می دهند بخش مهمی از کسانی که به محمود احمدی نژاد رای داده اند، چندان از این اقدام خوشنود نیستند نیز شاهی بر این مدعاست. رییس جمهوری اگر طی دو سال گذشته دائماً خرج پیگیری جاه طلبی های شخصی و رویاهای سیاسی اش را از کیسه ملت می پرداخت، امروز اندک اندک متوجه خواهد شد که زمان جدا کردن خرج خود از ملت فرا رسیده است. چرا که تلاشش در زمینه سنجاق کردن خود به اراده ملت خریدار و بازاری ندارد. شاهد دیگر آنکه امروز بسیاری از کسانی که با امور ایران مختصر آشنایی دارند، صدای احمدی نژاد و ایرانیان را از مجراهای مختلفی می شنوند. به همین جهت، پاسخ ندادن وی به سوالات مردم در خصوص تهدیدات اقتصادی، سیاسی و امنیتی و همچنین وضعیت آزادی بیان و تورم و دیگر قضایا، تنها از عمیق تر شدن شکافی خبری دهد که اصرار محمود احمدی نژاد بر ادامه اظهارات نامحبوب و سیاست های غیر کارشناسی اش بین مردم و دولت وی پدید آورده است.

سیاست ها و اظهاراتی که علی رغم درآمدهای رویایی نفتی، نه تنها تغییری در وضعیت سفره های مردم پدید نیاورده بلکه با گسترش تحریم های مختلف علیه کشور، هر روز آن را تهی و تهی تر می کند. البته آنچه دولت احمدی نژاد با مخالفانش می کند، نسخه ایی از شخصیت خود محمود احمدی نژاد است که در شنیدن بسیار ضعیف و در سخن گفتن بسیار دست و دل باز است. مدلی که برخلاف مدل واقعی گفت و گو است که تصویر آن سری با دهانی کوچک و گوش هایی بسیار بزرگ است. برای رییس جمهوری که گوش هایی بسته و دهانی بسیار باز و بزرگ دارد و در انتخاب بین خودش و مردم، سنگ خود و همفکرانش را به سینه می زند، البته این تازه آغاز راه خواهد بود.

رزمگاه پلی تکنیک



ماخواستار خواجگان تعلیق
دانشجویان مستقیم

پلی تکنیک



ماخواستار رفع توقیف
از نشریات دانشجویی مستقیم

تو فضاییه شهر تاریک
وقته شورش می شه نزدیک
باز دوباره گر می گیره
رزمگاه پلی تکنیک
هر کلاسو هر کریدور
می شه از فریادشون پر
بوی سنگر می ده انگار
فشت به فشت
آجر به آجر

پلی تکنیک

همه شون مثله ستارن
همه شون ستاره دارن
این مداله سرفه فخره
که رو سینه شون می دارن

به قلم قسم که این سنگر بینش
دل به پادگان و مشت نمی بازه
این یه طریمه گورزاده کی می تونه
قفلو زندون واسه آزادی بسازه

بگو دانشجو اگر حتی بمیره
رنجه نمسه ذلتو نمی پذیره
آره اون همنامه با امیر گیره



یاران دبستانی مارا
آزاد کنید

رزمگاه
فریاد
است